# نظری بر اندیشه توسعه عدالت محور

سیدمهدی زریباف*

**به نظر می‌رسد در رابطه اساسی میان توسعه و عدالت، بهترین و دقیق‌ترین دیدگاه، مبتنی بر روایت حضرت امیر(ع) یعنی "فان فی العدل سعه" است. برای فهم آن لازم است نخست، رابطه میان عدالت تکوینی (عدالت تنظیمی) و عدالت تشریعی (عدالت حقوقی) در ابعاد فردی – اجتماعی و حکومتی مورد عنایت قرار گیرد. دوم، براساس قانون نسبیت تکاملی تنظیمات، پویایی رفتار اجتماعی و اقتصادی در چارچوب تعامل این دو نوع از عدالت مورد بررسی قرار گیرد و سوم، سطوح توسعه اقتصادی و اجتماعی با توجه به اصول و ویژگیهای مدل توسعه و براساس سیاست تنظیم و توازن نسبی اقتصادی سامان یابد. در این‌صورت می‌توان ادعا کرد که براساس دیدگاه و تفکر اسلامی شیعی، به نسبت تحقق مراتب عدالت اقتصادی، توسعه اقتصادی نیز حاصل شده است.**

**واژه‌های کلیدی:** توسعه اقتصادی، تکامل مادی، باور توسعه، عدالت تنظیمی، عدالت حقوقی، حقیقت، واقعیت، نظام عادلانه اجتماعی و اقتصادی.

## ۱. مقدمه

به‌طور کلی تاکنون دو رویکرد اساسی در مورد رابطه دو مفهوم رشد اقتصادی و عدالت اقتصادی مطرح شده است:

الف- هدف اقتصاد، «رشد اقتصادی» و افزایش تولید ناخالص و در نهایت افزایش رفاه عمومی و اجتماعی است. در این دیدگاه افزایش و تولید ثروت، زمینه‌ساز رفاه عمومی و اجتماعی است. از این طریق و با افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، اقشار محروم تحت حمایت

* مدیرکل دفتر مطالعات اقتصاد اسلامی، معاونت اقتصادی - وزارت امور اقتصادی و دارایی

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

و تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند و سایر اقشار جامعه (به‌جز صاحبان ثروت و سرمایه‌داران) با سازوکارهای جبرانی و حمایتی به حقوق اجتماعی و شهروندی نائل می‌شوند. بر اساس این دیدگاه هدف اقتصاد، عدالت اقتصادی نیست و از آنجا که موضوع عدالت، مقوله‌ای ارزشی است، اقتصاد نیز از این مبحث کاملاً مبرا بوده و عدالت، مسئله اقتصاد نخواهد بود و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به‌عنوان یک آسیب اجتماعی، مورد توجه قرار خواهد گرفت. متفکران غربی معتقدند که هدف اقتصاد رشد و توسعه کمی و کیفی بوده و عدالت در صورت افزایش درآمد و ثروت عمومی، خود به خود محقق می‌شود.

ب- هدف‌گیری فقط برای توسعه اقتصادی، تعادل اجتماعی را به هم ریخته و نمی‌توان سازوکار عملکرد اقتصادی را فقط بر پایه توسعه استوار کرد بلکه برای تحقق توسعه متوازن، توجه به سایر ابعاد اجتماعی نظیر عدالت اجتماعی لازم است. به‌نحوی که در جریان تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی و عملکرد اقتصادی، همواره می‌بایست موضوع تحقق عدالت را نیز مدنظر داشت و شعار راهبردی توسعه و عدالت را به‌طور همزمان محور برنامه‌ریزی اقتصادی قرار داد. استدلال اصلی این دیدگاه آن است که توجه یکسویه به مقوله توسعه از فرآیندی پیروی می‌کند که پس‌انداز، تشکیل سرمایه و بهره‌مندی از تمتعات مالی را در انحصار بخشی از جامعه قرار داده و موجب شکاف طبقاتی و تبعیضهای مالی می‌شود. بنابراین لازم است که دولت به‌عنوان مهم‌ترین رکن تصمیم‌گیری اقتصادی وارد عمل شده و برای جلوگیری از بی‌تعادلی‌های حاصل از توسعه یکسویه، به نفع فقرا و مستمندان در راستای توانمندسازی اقشار آسیب پذیر اقدام کرده و از به وجود آمدن بحرانهای اجتماعی جلوگیری کند.

ج- اما براساس اندیشه توسعه عدالت محور، عدالت فقط خاستگاه تنظیمات و تعاملات اجتماعی انسانی است و به‌عنوان تنها ارزش مطلق اجتماعی، پایه و اساس روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد. توسعه نیز که به معنای انسانی آن "تعالی" نامیده می‌شود، تابع اصل تکامل مادی و معنوی انسان و اجتماع است و فقط در صورتی محقق می‌شود که پیشتر بستر و فضای نظام اجتماعی بر اساس عدالت محوری فراهم شده باشد.

با عنایت به فرهنگ اسلامی و قرآنی و با تدبیر در آیات الهی به روشنی می‌توان دریافت که عدالت در روابط اجتماعی ساختاری بوده و تمامی تلاش پیامبران، اولیاء و بزرگان و متفکران تاریخ در مسیر تحقق مراتب عدالت صورت گرفته است.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

با توجه به آیات قرآن مجید عدالت امری اقامه‌ای بوده و به خودی خود محقق نمی‌شود. بر اساس بیان حضرت امیر (ع): "عدالت امری بنیانی و ساختاری بوده و توسعه از ذات عدالت بر می‌آید و در صورت تحقق عدالت، توسعه تحصیل حاصل است. فان فی العدل سعه". بدیهی است برای تحقق بخشیدن چنین اندیشه‌ای راهی بس طولانی و دشوار در پیش است ولی از طی کردن آن نیز گریزی نیست و دستیابی به آرمانهای والای انسانی در هر سطح و مقطع، شهد شیرین توسعه و تکامل بشر را به همراه خواهد آورد.

## ۲. ابعاد و ویژگیهای مدل توسعه اقتصادی

### ۲-۱. توسعه اقتصادی مقوله‌ای فرهنگی

برای دانستن این نکته که آیا توسعه اقتصادی، مقوله‌ای فرهنگی است یا خیر، ابتدا لازم است تا حیطه مباحث توسعه را از نقطه نظر مفهومی مورد بررسی قرار داد، منشأ و اصول فطری آن را دریافت و عوامل و عناصر مؤثر در توسعه را ارزیابی کرد. از سوی دیگر لازم است روشن شود که آیا توسعه اقتصادی به عنوان یک امر کیفی در مباحث اقتصادی دارای ریشه‌های فرهنگی و ارزشی است؟

#### الف- تعریف توسعه اقتصادی

مهم‌ترین منشأ فطری و درونی برای توسعه اقتصادی، دو نیاز اساسی انسان است که می‌توان آنها را به عنوان اصول توسعه اقتصادی در نظر گرفت:

**اصل تکافل مادی:** یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای بشر و ضروری‌ترین آنها مسئله ادامه حیات و زندگی مادی است و از این منظور موجود خاکی، تأمین معاش، آسایش مادی، رشد و سلامت جسمی خود را همواره مدنظر داشته و می‌کوشد تا با پاسخگویی به نیازهای طبیعی و غریزی خود در حد کفایت و میانه و به نحو مطلوب، رشد جسمی، مغزی و استعدادهای خود را تضمین کرده و ادامه حیات دنیوی و آرامش خیال داشته باشد. این مسئله در زندگی بشر، جنبه ابزاری داشته و نمی‌تواند به‌عنوان یک هدف نهایی در رفتار مادی و اقتصادی در نظر گرفته شود زیرا این جسم خاکی و نیازها و غرایز آن محدود و فناپذیر است. از این‌رو هدف از مستعد و آماده و سلامت نگه داشتن قوای جسمی و مغزی و جلب لذایذ معقول، حرکت به

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

سمت درک و شناخت حقیقت و تسلیم در برابر آن و عبودیت و در یک کلام، تکامل روحی و معنوی است.

**اصل تکامل معنوی:** نیاز اساسی دیگر انسان به تکامل معنوی، آسایش روحی و توسعه شخصیت و ابعاد وجودی وی است تا از این طریق نسبت به بقای حیات سعادتمندانه خود امیدوار شود. آنچه مسلم است لازمه چنین امری ایجاد فضای مناسب بیرونی و درونی برای رشد و تعالی اخلاقی است.

بنابراین توسعه اقتصادی به دو دلیل ضرورت می‌یابد: اول، تأمین نیازها و غرایز جسمی و مادی انسان در حد کفایت و معقول و بر اساس اصول منطقی و اخلاقی و دوم، ایجاد فضای مناسب برای رشد، تربیت و هدایت انسان به سمت سعادت اخروی، توسعه وجودی و شخصیتی و تداوم حیات و تکامل روحی بشر.

از نقطه نظر این دیدگاه هر پیشنهاد و مسئله اقتصادی که در تعارض با این دو اصل فطری و حقیقی واقع شود، در تقابل با توسعه اقتصادی است حتی اگر به ظاهر پیشرفتی را در دانش فنی بشری داشته باشد. بنابراین در تمامی این مسائل و موضوعات اقتصادی که در راستای توسعه قرار می‌گیرد، لازم است آثار اخلاقی و ارزشی و فرهنگی آن مورد دقت واقع شود.

مسئله مهم دیگری که توسعه اقتصادی به آن مربوط می‌شود، تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی است. مسئله عدالت اجتماعی که پایه‌ای‌ترین موضوع نظام اقتصادی است، تأثیر خود را در تمامی بخشها، روابط و نیز تنظیمات اقتصادی نشان خواهد داد و از آنجا که توسعه اقتصادی در بستر اجتماع، تکوین واقعی و عینی می‌یابد، اهمیت پرداختن به عدالت اجتماعی در تدوین اصول، اهداف، راهبردها و روشهای توسعه اقتصادی، به خوبی مبرهن و واضح خواهد بود.

به این ترتیب با توجه به توضیحات یادشده، توسعه اقتصادی عبارت است از افزایش و گسترش کمی و کیفی توان اقتصادی به منظور تأمین تکامل معنوی و تکافل مادی انسانها و جوامع مبتنی بر اصل عدالت اجتماعی و متناسب با اقتضائات، مناسبتها و تحولات عینی.

این تعریف که شاید بتوان گفت به اندازه کافی جامع و مانع است، در عین حال یک تعریف ارزشی و هدفدار است و برای رشد و توسعه اقتصادی، اتخاذ هر وسیله‌ای که در

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

راستای هدف نباشد مجاز نمی‌شمارد و مسئله تحقق عدالت اجتماعی را به‌عنوان اصلی‌ترین هدف ارزشمند خود برگزیده و می‌کوشد تا آن را در قالب پدیده‌های عینی جست و جو کند.

### ب- محوریت انسان در توسعه

عنصر اصلی در توسعه اقتصادی، توسعه انسان و تعالی وی است. خواه در بُعد نظری، اعتقادی و باور و خواه در بُعد عملکردی و رفتاری. خواه با هویت فردی و اجتماعی و خواه با هویت مدیریتی، تمامی رفتارهای انسانی و تمامی سنتها و اندیشه‌ها و نیز تمامی اراده‌ها و خواسته‌های وی در مسیر جذبه الهی قرار دارد و تأمین نیازهای مادی و معنوی وی لازم و حتمی است.

بنابراین در مدل توسعه اقتصادی، مثلث فرد (انسان با هویت فردی و جمعی)، جامعه (انسان با هویت جمعی و کلی) و دولت (انسان با هویت مدیریتی) در سه حوزهٔ تولید، توزیع و مصرف به گونه‌ای است که در حرکت پویای خود در راستای توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی شده، همواره متوجه خداوند باری‌تعالی بوده و ارمغان سعادت اخروی و دنیوی این موجود خاکی است. آنچه از این سخن برمی‌آید این است که مرکز ثقل چنین مثلثی اندیشه، باور و رفتار و عادات انسانی است که تمامی آن در عرصه فرهنگی تعین می‌یابد، خواه از زاویه فردی به مسئله نگاه شود یا از زاویه اجتماعی و مدیریتی.

## ۲-۲. مدل توسعه

مدل یا الگو در مباحث فلسفی و روش‌شناسی علم اقتصاد داری تعاریف و مفاهیم مختلفی است که هر کدام با توجه به دیدگاه خاصی ارائه شده است. در اینجا منظور ما از "مدل" چارچوب نظری و نظام‌مند فکری و تعقلی در مباحث توسعه اقتصادی است که به یادآوری بعضی از مشخصات و ویژگیها، اهداف و اصول چنین مدلی خواهیم پرداخت. منظور ما از ارائه چنین مختصری فقط طرح ایده‌هایی در مورد مدل توسعه اقتصادی است که بررسی و جرح و تعدیل منطقی و اصولی آن ضروری است.

بر اساس آنچه گفته شد مقوله توسعه، مقوله‌ای کیفی و فرهنگی است و محوریت آن نیز با انسان و هویتهای مختلف وی در حوزه رفتاری اقتصاد و بر اساس ارزشهای معنوی و اخلاقی تکوین یافته و در راستای تحقق عدالت اجتماعی حرکت می‌کند. از این‌رو ویژگیها و مشخصات

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

مدل توسعه‌ای که در این چارچوب به دست خواهد آمد، قالبی ارزشی و محتوایی فرهنگی خواهد داشت. این ویژگیها بدین شرح است:

- هدفمندی توسعه: منظور این است که چنین مدلی موضوعی جهت‌دار بوده و مبانی آن ارزشی است و نمی‌توان مستقل از هدف توسعه به تعیین چارچوب ساختاری توسعه پرداخت و در چنین مدلی سازوکارها و سیاستگذاریها، جنبه هدایتی و تربیتی نیز خواهد یافت.
- محوریت انسان: در این مدل تمامی تنظیمات و روابط بر اساس هویتهای مختلف انسانی صورت خواهد پذیرفت.
- جامع‌نگری مقوله توسعه: توسعه اقتصادی در چنین مدلی، در ارتباط با توسعه فرهنگی- سیاسی و اجتماعی خواهد بود.
- موضع استقلال فکری: از مهم‌ترین مسائلی که در تعیین اهداف و اصول، مبانی و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی چنین مدلی لازم است، حفظ موضع استقلال فکری نسبت به سایر دیدگاهها است.
- روابط مدل: این روابط در راستای تأمین عدالت اجتماعی تعین می‌یابد و در عین حال این روابط توسعه زا خواهد بود.
- مثلث فرد، جامعه و دولت: در تمامی راهبردهای توسعه، باید اهداف و برنامه‌ها را در نظر داشت و به بررسی متقابل آنها پرداخت.
- فراملیتی: مدل توسعه باید به‌گونه‌ای باشد که منحصر به یک کشور نباشد و بتواند تمامی ویژگیها، اهداف و اصول خود را در سطح بین‌المللی حفظ کند.
- فن‌آوری: فن‌آوری که در این مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد به‌دلیل تأثیرپذیری از نظام فکری و ارزشی حاکم بر جامعه اسلامی باید به نحوی هدایت شده و با توجه به ویژگیهای خاص در مسیر اهداف توسعه اقتصادی کنترل شود. ویژگیهایی چون همگُنشی مسالمت‌آمیز با طبیعت و نیروهای آن، نوآوری و دستیابی به روشهای پیشرفته، ساده و سریع، بومی و اقلیمی، ظاهر ساختن جوهر کار، چند منظوره و جامع، رشد تفکر و همکاری اجتماعی، ساده و راحت بودن، لذت آفرین، مولد و غیرمصرفی، انسانی و قابل کنترل.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

- منافع دیگران: یکی از ویژگیهای این مدل ترجیح یا دست‌کم مساوات نسبت به منافع دیگران است، خواه در سطح افراد یک جامعه یا در سطح بین‌المللی. از این‌رو دقت در این مسئله در بیشتر اصول و اهداف برنامه‌های توسعه مورد توجه خواهد بود.

### ۳-۲. اصول و اهداف پیشنهادی توسعه

همان‌گونه که در ابتدا گفتیم توسعه اقتصادی در تفکر اسلامی، براساس انگیزه‌های فطری و درونی است و اصل تکامل، به‌عنوان اساس مدل توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی نیز به‌عنوان هدف نهایی مطرح است و در واقع سایر اصول، مبانی و اهداف مقدمی در راستای تحقق تکامل فطری بشر و عدالت اجتماعی تشخص خواهند یافت. ممکن است این اصول و اهداف در سلسله طولی یا عرضی یکدیگر قرار گرفته و مراتب متفاوتی را به‌دست آورند اما در هر حال این موارد پیشنهادی در جهان‌بینی نظیر حلقه‌های زنجیر به یکدیگر مرتبط و بر هم مترتب‌اند. همچنین ممکن است برخی از اصول بر جنبه‌های فردی، جزئی و بخشی توسعه دلالت داشته و برخی دیگر بر جنبه‌های اجتماعی، جمعی و کلان دلالت داشته باشند.

**الف- اصول**

- اصل تکافل معنوی و روحی: لازمه چنین اصلی، رشد اخلاق فردی و جمعی در سطح عمومی است و مدل باید به‌گونه‌ای باشد که نتیجه رفتارهای اقتصادی، اخلاق و تقوای جامعه را افزایش دهد.
- اصل تکافل مادی و جسمی به منظور تأمین معاش و حق حیات مادی بشری.
- اصل انسان‌مداری توأم با درک هویت اجتماعی: منظور این است که محوریت توسعه با انسان است و در هر حال باید شئونات وی در مدل رعایت شود. در عین حال انسان نیز موجودی است که دارای هویت جمعی و اجتماعی است بنابراین شئونات وی در بستر جمع درنظر گرفته می‌شود.
- اصل ساده زیستن: به معنای حداقل مصرف برای گذران ایام زندگی است به‌طوری که با سایر اصول در تعارض نباشد.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

- اصل تولید بیشتر و مشروع: منظور این است که بیشترین توان و امکانات اقتصادی در زمینه تولیدات صنعتی و کشاورزی به‌کار گرفته شود، به‌نحوی که از چارچوب روشها و محصولات مشروع خارج نشود.
- اصل همکاری، همیاری، همدردی و تعاون: روح حاکم بر راهبردها و برنامه‌های مدل باید روح جمعی و مبتنی بر مشارکت باشد.
- اصل اعتماد توأم با احتیاط در روابط اقتصادی: همواره در تنظیم روابط و رفتارهای اقتصادی این مسئله مدنظر باشد.
- اصل احترام به نیروی کار انسانی و درآمد حاصل از آن: از نظر اسلام کار مفید و مؤثر برای جامعه مقدس بوده و درآمد آن مشروع است.
- اصل احترام و تشویق به نوآوری، خلاقیت در روند توسعه و معیار ارزش بودن تولید و احیاء.
- اصل افزایش بازدهی و کارایی اقتصادی و بهبود روشها توأم با رشد و تقویت اخلاقی فرد و جامعه.
- اصل امنیت و آزادی اقتصادی در سطح عموم و در قالب مسابقه خیرات.
- اصل کسب درآمد حلال از طریق معقول و مشروع.
- اصل همراهی و همرازی با طبیعت و منابع طبیعی و محیط‌زیست: منظور همکُنشی متقابل با طبیعت و بهره‌وری معقول و متعارف از آن است.
- اصل نداشتن فراغت و تأکید و ترویج بر انجام کار انسانی.
- اصل ارتقاء سطح عمومی معیشت افراد و آحاد جامعه.
- اصل نفع شخصی توأم با تأمین منافع دیگران.
- اصل اعتدال و میانه‌روی رفتار اقتصادی.
- اصل خدمت و انجام کار نیک و توسعه تفکر و عمل در قالب مسابقه خیرات.
- اصل نبودِ استضعاف و استثمار و دفع آنها.
- اصل خودکفایی، خود اتکایی و نبودِ وابستگی اقتصادی (به‌ویژه به کفار و بیگانگان).

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

- اصل احترام به مالکیت خصوصی و عمومی و حقوق اقتصادی، در عین اولویت مصالح اجتماعی اقتصادی.
- اصل رقابت سازنده و محدود در فعالیتهای اقتصادی: میدان مسابقه خیرات.
- اصل تعدیل ثروت و درآمد آحاد جامعه و تصحیح جریان سرمایه‌گذاری.
- اصل توازن اقتصادی در جریان تولید- توزیع- مصرف.
- اصل برنامه‌ریزی و هدایت فعالیتهای اقتصادی.
- اصل انصاف و مساوات در تمامی فعالیتهای اقتصادی.
- اصل انفاق، صدقات، قرض‌الحسنه، وقف و نظایر آنها که همه نشان‌دهنده گذشت از مال پس از رفع نیاز و تأمین معاش است.
- اصل کرامت - کفایت و عزت اقتصادی و مالی.
- اصل بهره‌وری بهینه از نعم و امتیازات مادی و غیرمادی.
- اصل انتخاب فعالیت اقتصادی احسن با توجه به مزیت نسبی و اولویت شرعی.
- اصل تقلید سازنده و نیکو از تجارت و روشهای دیگران در امر توسعه.
- اصل پرهیز از طمع، حرص و آزمندی و تشریفات حاصل از مصرف‌زدگی.
- اصل صبر و تحمل سختیها، پشتکار و جدیت در مسیر تحقق آرمانهای توسعه.
- اصل توفیر نعم و امکانات مادی برای بهره‌وری مناسب آینده.
- اصل ازدیاد کمی و کیفی محصولات اقتصادی و تصدیر آنها برای رفع محرومیتها.
- اصل قاطعیت در برابر تضییع حقوق اقتصادی مردم.
- اصل تقابل به شر با اشرار اقتصادی.
- اصل تداوم بر کار نیک و کیفی حتی اگر کم باشد.
- اصل عزت انسانی و استقلال اقتصادی جامعه اسلامی و دفاع از کیان نظام اسلامی.

### ب- اهداف

واضح است که در یک نظام و مدل فکری و علمی، همواره میان اصول و اهداف رابطه منطقی و تنگاتنگی وجود خواهد داشت و تأثیر و تأثر متقابل آنها جنبه التزامی دارد. این مسئله گاهی موجب اشکال در تمییز میان آنها می‌شود ولی آنچه مسلم است، مراعات این اصول، وظایف و

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

اهداف، زمینه‌های تحقق نظری و علمی مدل توسعه اقتصادی که مطلوب اسلام است فراهم می‌کند و هر مقدار که این امور مدنظر تحلیلگران و طراحان و عاملان اقتصادی جامعه باشد، نتایج به دست آمده نیز ما را به آرمان الهی و اسلامی نزدیک‌تر و باور توسعه اقتصادی را براساس فرهنگ اسلامی عملی‌تر می‌کند. در این قسمت به ذکر بعضی از اهداف نسبی و رتبی در مسیر تحقق "عدالت اجتماعی و قسط اسلامی" در مدل توسعه می‌پردازیم:

- تأمین عدالت و قسط اجتماعی و اعاده حقوق انسانی آحاد جامعه به‌صورت ساختاری و درون‌زا به این معنی که مدل توسعه اقتصادی به نحوی طراحی و اجرا شود که نتیجه آن تحقق نسبی عدالت اجتماعی باشد، نه آنکه عدالت اجتماعی خارج از ساختار مدل تحلیل شود.
- تأمین و تضمین معاش و درآمد متعارف آحاد جامعه.
- عینیت بخشیدن به احکام ودستورالعملهای فقهی اقتصادی و تنظیم روابط مدل بر اساس آنها.
- ایجاد توازن و تعادل ثروت و قدرت و توان اقتصادی با توجه به امکانات و محدودیتها.
- دفاع از عزت اسلامی مسلمانان و دفاع از مستضعفان و محرومان جهان در بُعد اقتصادی.
- پاسداری و حفاظت از هویت ملی و اسلامی در اقتصاد.
- عمران و آبادانی در روستاهای کشور اسلامی و رفاه عمومی.
- ایجاد هماهنگی و توازن بین اقتصاد و سیاست و فرهنگ جامعه.
- تعلیم و تربیت و بهداشت عمومی.
- فقرزدایی و استثمارزدایی در درون مرزهای کشور اسلامی و خارج از آن.
- حفظ حقوق اقتصادی و حفظ شأن و شخصیت انسانی افراد.
- تلاش در جهت جلب رضایت خداوند نسبت به عملکردهای اقتصادی در تمامی سطوح جامعه.

### ۴-۲. تمهیداتی بر تحقق باور توسعه

فرهنگ توسعه اقتصادی را به دو طریق می‌توان در نظر گرفت:

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

الف- تعریف و تعین بخشیدن ارزشها و اخلاقهای انسانی بر اساس مادیات و به منظور تأمین منافع شخصی و طمع‌ورزی،

ب- نگرش معنوی و جهت‌دار به امور مادی به‌عنوان اموری که گذرا و مقطعی بوده و فقط به منظور تأمین حیات و ضروریات زندگی و بقای دنیوی به آنها توجه می‌شود و به این ترتیب باور توسعه اقتصادی بر اساس اصول اخلاقی و به‌منظور اهداف انسانی تعیین می‌شود.

آنچه در ادامه می‌آید روشها، عملکردها و وظایف ضروری در مسیر تحقق باوری است که بر محور دیدگاه دوم آمده است:

- تأکید و توجه خاص بر علوم و معارف انسانی: سیاست، اقتصاد، فرهنگ، روانشناسی و مانند آن که موجب شناخت جامع نسبت به فرد و جامعه شده و استقلال فرهنگی کامل را فراهم می‌آورد.
- تحول در نظام آموزشی و تحقیقاتی و انجام برنامه‌ریزیهای لازم در آموزش عالی کشور.
- ترویج روحیه مشارکت و تعاون در فعالیتهای عمومی اقتصادی جامعه، توأم با ترویج اخلاق اجتماعی و رشد اندیشه جامع‌نگری و کل‌نگری نسبت به مسائل اجتماعی و تصمیم‌گیری و عملکردهای اجتماعی و مدیریتی.
- توسعه فرهنگی و فکری مردم از نظر طولی (آینده نگری) و عرضی (جامع‌نگری و سعه اندیشه) در مورد شناخت مسائل اجتماعی و اقتصادی.
- تقویت و رشد موضع استقلال فکری و پرهیز از غرب‌زدگی کورکورانه در اندیشه و عمل اقتصادی.
- بررسی منطقی و علمی مدلها و الگوهای توسعه بیگانه، توأم با درایت عمیق و بهره‌گیری از نقاط مثبت.
- توجه مداوم بر تأثیرات فرهنگی برنامه‌ها و مدلهای اقتصادی.
- ترویج فرهنگ کار مقدس و کار مولد در میان آحاد جامعه.
- تبلیغات هدف‌دار و دامنه‌دار مبتنی بر ارائه واقعیات اقتصادی، توأم با به‌کارگیری روشهای نوین و جذاب، به‌منظور درونزا کردن انگیزه‌های اقتصادی و دستیابی به اهداف زمان‌بندی شده توسعه اقتصادی.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

- حمایت واقعی و اصیل و منطقی از کاربرد فنون و معارف اسلامی در علوم انسانی.
- توسعه تحقیقات مبتکرانه و خلاق و حمایت عملی و علمی از آن در تمامی زمینه‌های اقتصادی.
- ترویج و تثبیت نظام تشویق و تنبیه و امربه‌معروف و نهی ازمنکر براساس معیارهای صحیح انسانی به‌منظور تصحیح مدیریت اقتصادی و تضمین انجام برنامه‌های تدوین شده اقتصادی.
- ایجاد همگونی و انسجام ساختاری میان اقتصاد با سایر بخشهای اجتماعی در راستای اهداف توسعه.
- اصلاح و تنظیم روابط اجتماعی و خانوادگی به‌منظور تحقق اهداف توسعه.
- ایجاد ارتباطات و تبادل فرهنگی و اقتصادی به‌منظور بهره‌برداری مفید و حداکثر از تجارب دیگران و تقلید هوشمندانه.
- نظام اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی با آخرین پیشرفتهای علمی و فن‌آورانه در سراسر جهان.
- ایجاد روحیه دقت و نظم و مدیریت انسانی الگوهای اسلامی.
- مبارزه با روحیه مصرف‌زدگی و مصرف‌گرایی.
- تقویت روحیه همدردی، همیاری و همکاری در درون جامعه و نسبت به سایر ملل مستضعف و تأمین معاش آنها از مازاد تولید داخلی برای تحقق عدالت فراگیر.
- تعیین راهبردهای مهم صنعتی، کشاورزی و فن‌آوری کشور بر اساس اهداف و اصول و برنامه‌های توسعه اقتصادی و با توجه به امکانات و محدودیتهای فیزیکی و غیرفیزیکی جامعه.
- برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و زمان‌بندی شده برای تحقق اهداف توسعه.
- ارزیابی، نظارت، کنترل و هدایت تمام عملکردها و رفتارهای اقتصادی در مسیر اهداف توسعه.
- تأمین بودجه از طریق منابع مالی دولت اسلامی نظیر خمس، زکات، انفاق، وقف و نظایر آنها.
- ترویج فرهنگ خدمت و انجام کار نیک در راستای رفاه عمومی.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

- ترویج فرهنگ توکل، شکر و سپاس نسبت به نعم و لطف الهی و زحمات سایر افراد.
- ترویج فرهنگ سرعت، اعتدال، میانه‌روی، صبر و پشتکار.
- تشویق به سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی و عام‌المنفعه اقتصادی و طرحهای ضروری و اساسی کشور.
- اصلاح ساختار اداری و مدیریتی کشور متناسب با اهداف توسعه.
- تشویق به فرهنگ تولید و صادرات مازاد محصولات داخلی برای افزایش توان اقتصادی و قدرت پولی کشور.
- هماهنگ سازی امکانات نظامهای پولی و مالی کشور با اهداف توسعه.
- تدوین سیاستها و نظام مالیاتی مبتنی بر عدالت و متناسب با اهداف و اصول توسعه اقتصادی.
- حفظ و تحدید حدود مالکیتها در جامعه در چارچوب موازین شرع.
- تصحیح روابط اقتصادی جامعه بر اساس احکام شریعت.
- حفظ منابع طبیعی و انسانی و آموزش بهره‌وری مناسب.
- کنترل درآمد و تعدیل ثروت به‌منظور همگونی رفاه اجتماعی.
- نظارت و تصحیح امور بازار اسلامی بر اساس معاملات و عقود شرعی.
- جمع‌آوری مالیات و وجوهات شرعی.
- تنظیم روابط مالی و اقتصادی با سایر کشورها براساس اصول و معیارهای اسلامی.
- تصحیح ساختار پولی و بانکی کشور براساس موازین شرع و بهبود عملکرد آنها و حذف مطلق ربا از نظم پولی و مالی کشور.
- ارزشگذاری صحیح و عادلانه نسبت به فعالیتهای اقتصادی.
- استانداردکردن کالاها و محصولات تولیدی و جلوگیری از تولیدات نامرغوب.
- ترویج فرهنگ آخرت طلبی و پرهیز از حسد، طمع و آز.
- ترویج فرهنگ کار کیفی و مداوم.
- ترویج روحیه مراعات حقوق مردم.
- ترویج روحیه اطاعت و صداقت در مدیریت اقتصادی.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

- ترویج روحیه پذیرش فعالیتهای سخت تولیدی و جدیت در انجام آنها.
- ترویج روحیه امید به آینده و روشهای نو و افسوس نخوردن نسبت به گذشته.
- ترویج روحیه توکل وتسلیم نسبت به قضا و قدر الهی.
- ترویج روحیه عدم تواضع نسبت به ثروتمندان به‌دلیل ثروت آنها.
- تلاش برای افزایش تواناییهای مادی و معنوی و بالفعل کردن استعدادها.
- تقویت روحیه مشاوره و کارشناسی در امور اقتصادی و بهره‌برداری از تجارب دیگران.
- تقویت هدفداری به جای آرزومندی در تلاشهای اقتصادی.
- پرهیز از گناه به‌منظور جلب نعم الهی و برکت یافتن اقتصاد کشور.
- تبلیغ و تقویت عقل اقتصادی فرادنیایی به ترتیبی که روابط و منافع مادی را به غیر مسیر معنوی، غیرعقلانی و اتلاف و تضییع عمر می‌داند، بنابراین بهره برداری صحیح از فرصتهای عمر انسانی در حیطه عقل اقتصادی اسلامی عبارت است از انجام امور معیشتی و کسب درآمد حلال به نیت خدمت به مردم و توجه به خداوند.
- اجتناب از رباخواری در تمام سطوح جامعه، ممنوع بودن احتکار، گران فروشی و نظایر آنها.
- تصحیح امور بازرگانی داخلی و خارجی براساس عقود شرعی و فرهنگ مردم.

## ۳. عدالت تنظیمی و عدالت حقوقی در ساختار اجتماعی و اقتصادی

### ۱-۳. عدالت اجتماعی

به‌طور کلی در صحنه موضوعات و مسائل اجتماعی دو مفهوم از"عدالت" متصور است: نخست، عدالت به‌معنای رعایت استحقاقها و موزون‌سازی. منظور این است که در صحنه اجتماع، روابط انسانی و اجتماعی به گونه‌ای موزون و متوازن تنظیم یافته و هر نهادی و هر رابطه‌ای در جایگاه واقعی خویش قرار یابد و جایگاه هر پدیده نیز همواره در رابطه با هدف نظام و مجموعه تعیین می‌شود و مبتنی بر اصول، ویژگیها و مشخصات و به‌طور کلی روح حاکم بر نظام است.

دوم، عدالت به معنای اعطای کل ذی حق حقه. براساس این مفهوم، عدالت اجتماعی عبارت است از تأمین و تضمین حقوق متقابل ارکان اجتماع. منظور از "حقوق متقابل"، حقوق

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

فرد، جامعه و دولت نسبت به یکدیگر است. این حقوق برای هرکدام از این محورهای سه‌گانه به اعتبار زندگی اجتماعی ظهور می‌یابد و دارای ریشه فطری بوده و لازمه حیات و تداوم زندگی اجتماعی است. این حقوق بر اساس انگیزه و نیاز درونی انسان معنا می‌یابد. به‌عبارت دیگر انگیزه عدالت‌خواهی و عدالت‌جویی در ذات و فطرت آدمی بوده و به اعتبار طبعیت مدنی انسانی در وجود آدمی ظاهر می‌شود.

به‌طور کلی عدالت (در بُعد اجتماعی) از شریف‌ترین انگیزه‌های انسانی بوده و ریشه در فطرت آدمی دارد و در عین حال معیار قانونمندی و تنظیم نظام اجتماعی نیز هست و اقتضائات عقلی آن قابلیت تعمیم و سیاستگذاری مبتنی بر آن را دارد. عدالت در عین ایجاد توازن در زندگی اجتماعی و مادی بشر، در ذات خود، پویایی و تکامل روحی و معنوی انسان را فراهم آورده و به طور مستقیم به فضائل انسانی و اخلاقی مرتبط می‌شود.

**۱-۱-۳. حقیقت و واقعیت**

برای پذیرش این تفکر لازم است بدانیم در اصل هر حقی به اعتبار حقیقتی است، نه به اعتبار واقعیتی ملموس. این مسئله بسیار حائز اهمیت بوده و منظور واقعی از عدالت اجتماعی را نشان می‌دهد. اگر واقعیت را به معنای آنچه مشاهده و تجربه می‌شود در نظر بگیریم، به گونه‌ای که هیچ‌گونه قضاوتی را نتوان نسبت به آن داشت یا جهت خاصی را برای آن در نظر گرفت، در آن صورت می‌توان گفت که پدیده‌های واقعی دارای یک ساز وکار حرکتی جبری بوده و اراده و اختیاری در تحقق آنها نقش نداشته و به‌طور کلی از قدرت بشری خارج است. در این‌صورت هیچ‌گونه حقی نیز بر واقعیتها مترتب نخواهد شد زیرا نخست، پیدایش حق در جایی است که اختیار باشد و امکان احقاق حق به‌وجود آمده باشد و دوم، حق مقوله‌ای جهت‌دار و هدفمند است به‌طوری‌که هر احقاق حقی بدون توجه به آثار و نتایج آن بی‌معناست. بنابراین اگر "حقیقت" را جایگزین واقعیت کرده و این معنا را هدف قرار دهیم که حقیقت نشان‌دهنده واقعیت جهت‌دار و هدفمند است، در آن صورت می‌توان گفت که تمامی حقوق اجتماعی مبتنی بر حقایق اجتماعی هستند نه واقعیتهای اجتماعی.

البته منظور از حقیقت اجتماعی آن است که واقعیتهای اجتماعی به‌صورت خام و فقط به‌عنوان آنچه مشاهده می‌شود و آنچه هست مدنظر نباشد، بلکه صحت و درستی و تطابق آن با

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

موازین عقلی و فطری انسانی نیز مدنظر است. در چنین صورتی مغایرت واقعیت با موازین عقلی و فطری انسانی، باعث می‌شود تا انگیزه ایجاد تطابق واقعیتها با موازین عقلانی و فطری، زمینه‌ساز حرکت و زندگی اجتماعی شود و طبیعی است که براساس این انگیزه، این حق به‌وجود می‌آید که تطابق در صحنه زندگی اجتماعی به‌وسیله هر انسانی، جامعه‌ای و دولتی صورت پذیرد.

**۲-۱-۳. تنظیم عادلانه نظام اجتماعی**

یکی از عوامل ضروری و حتمی تحقق عدالت اجتماعی، به معنای "وضع الشیء فی موضعه" و نظم بخشی اشیاء و امور در جایگاه واقعی آنها و به اعتبار وجودشان و استحقاقهایشان است. برای دریافت معنای عدالت تنظیمی در یک نظام اجتماعی، ابتدا لازم است دیدگاه روشنی از نظام اجتماعی به دست آوریم.

**۳-۱-۳. نظام اجتماعی**

نظام اجتماعی یک هویت جمعی هدفدار و ذی‌حیات است که بر اساس اصول حقیقی فطری تکوین یافته و دارای قانونمندی و نظم در کیفیت تعامل و روابط بین اجزاء و نهادها می‌باشد. یک نظام اجتماعی، متشکل و در برگیرنده نظامهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظایر آنهاست اما این شمولیت به معنای تفکیک‌پذیری و تقسیم‌پذیری هر کدام از این نظامها از کل مجموعه نظام اجتماعی نیست و نمی‌توان گفت که به‌عنوان مثال نظام اقتصادی یک اجتماع، بخشی از نظام اجتماعی را فرا گرفته و محدود به روابط و نهادهای خاصی از کل مجموعه نظام اجتماعی است. بلکه منظور این است که هر نظام اجتماعی را می‌توان با توجه به حیثیات وجودی مختلف و از دیدگاههای مختلف مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد و الا ما به‌ازاء هر کدام از این نظامهای تحت شمول، تمامی نظام اجتماعی است و نه بخشی از آن. به‌عنوان مثال یک نظام اقتصادی، عبارت است از یک نظام اجتماعی که تمامی حیثیت اقتصادی آن، مورد نظر و دقت است. برای تقریب به ذهن درباره این مسئله می‌توان به "انسان و فرد" توجه کرد که گاهی به اعتبار و حیثیت حیوانی و گاه به اعتبار انسانیت و ناطق بودن مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی‌که وجود خارجی انسان یک چیز بیشتر نیست. بنابراین در اینجا نیز می‌توان گفت که به‌طور مثال نظام اقتصادی، نظامی است که جنس آن را نظام اجتماعی به‌عنوان یک

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

هویت جمعی هدفدار و ذی‌حیاتی که قانونمند بوده و نظم در تعامل و روابط بین اجزاء و نهادهایش دارد، تشکیل داده و "فصل" آن بنا به تعریف در برگیرنده مسائل و موضوعات اقتصادی، روابط و نهادهای اقتصادی است.

همچنین عدالت اجتماعی به معنای "تنظیم" حاصل از عدل تکوینی بوده و از مسیر عدالت فلسفی عبور می‌کند و یک چنین عدالتی نشان‌دهنده وجود نظم و قانونمندی است و همواره تنظیم اجتماعی باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که در آن رعایت تناسبها، نسبتها و استحقاقها مدنظر بوده و میان اجزاء، روابط و نهادهای نظام اجتماعی توازن و تناسب منطقی حاصل از استحقاقها حاکم شود. بنابراین به‌طور مشخص دلایل تنظیم عادلانه اجتماعی و ضرورت آن عبارت‌اند از:

- موزون‌سازی نهادها و روابط اجتماعی در مسیر تحقق اهداف نظام اجتماعی و مبتنی بر اصول حاصل از عدالت فراگیر اجتماعی،
- بازسازی، شکل‌دهی و نوسازی واقعیتها و پدیده‌های اجتماعی براساس حقایق و حقوق اجتماعی.

برای دستیابی به عدالت تنظیمی، سه نوع تنظیم ضروری به نظر می‌رسد: تنظیمات حقیقی که بر اساس حقیقت، ماهیت و ذوات اشیاء و امور به‌دست می‌آیند که معمولاً به عدالت تکوینی نیز معروف هستند. تنظیمات اجتماعی گاهی اوقات به‌طور مستقیم به اتکاء حقایق وجودی تنظیمات حقیقی یک نظام اجتماعی به‌دست می‌آید که ما مراتب آن را تنظیمات اولیه می‌نامیم یا گاهی در مراتب بعدی و به واسطه مراتب حقوق اجتماعی به‌دست می‌آیند که ما در اینجا به آنها تنظیمات ثانویه می‌گوییم و به‌طور قطع تنظیمات اولیه و ثانویه در یک تطابق و انسجام منطقی با یکدیگر هستند و اگر بپذیریم که تنظیمات اولیه ناشی از عدالت در تکوین به دست می‌آیند، در آن‌صورت تنظیمات ثانویه حاصل عدالت تشریعی به‌معنای تنظیم‌کننده روابط و ارتباطات اجتماعی خواهند بود.

**۴-۱-۳. نسبیت تکاملی تنظیمات**

نکته مهم دیگر در این قسمت مسئله نسبیت تکاملی تنظیمات است. به‌طوری‌که اصولاً تنظیمات اجتماعی نیز مانند حقوق اجتماعی ذومراتب و نسبی بوده و در هر مقطعی از انتزاع،

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

می‌توان تنظیم خاصی از یک نظام اجتماعی مطلوب را به‌دست آورد. نسبیت تکاملی تنظیمات در تقابل با سطوح متکامل حقوق اجتماعی شکل می‌یابد، به طوری‌که هر نظام حقوقی اجتماعی، تنظیم جدیدی را می‌طلبد و هر تنظیمی در هر مقطعی از مقاطع تکاملی‌اش، نظام حقوقی نوینی را نتیجه می‌دهد. این سلسله طولی و عرضی همواره در کنش و واکنش متقابل بوده و به این ترتیب تحول و حرکت تکاملی اجتماع و پویایی حرکتی آن صورت می‌پذیرد.

به‌عنوان مثال حق حیات فردی نسبت به جامعه و دولت، از حقوق اولیه‌ای است که منشأ آن وجود و حیات بشر است و تحقق این حق به تأمین آب، غذا، مسکن و پوشاک انسانی است که انسان فقط با این حداقل‌هاست که می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. همچنین می‌توان از حقوق اولیه فردی به حقوقی اشاره کرد که لازمه و اقتضاء حیات اجتماعی انسان است و بقاء اجتماعی انسان به آنها وابسته است. مانند حق شغل، حق ازدواج، حق امنیت، حق آزادی، حق مالکیت، حق تکامل مادی و معنوی، حق شأن و اعتبار اجتماعی و نظایر آنها که تمامی این حقوق، طبیعی و فطری بوده و به اعتبار هویت اجتماعی فرد، ضرورت عقلی می‌یابد. برای این دسته از حقوق اولیه، یکسری تنظیمات اجتماعی عادلانه لازم است که در رتبه بعدی، حقوق جدیدی را مطرح می‌کند.

همچنین به‌عنوان مثال اگر بخواهیم به یکی از حقوق اولیه اجتماعی که جامعه نسبت به فرد و دولت در یک نظام اجتماعی دارد اشاره کنیم، می‌توان به"حق بقاء جامعه"که حاصل از عدالت تکوینی اجتماع است اشاره کرد. طبیعی است چنین امری حق بقاء جامعه است که فرد و دولت هر دو موظف به تأمین آن هستند. از این سری حقوق می‌توان به حقوق حاصل از عزت و استقلال، آبادانی و عمران، امنیت، رفاه عمومی، توسعه و تکامل اجتماعی اشاره کرد که همه از حقوق اولیه جامعه نسبت به فرد و دولت محسوب می‌شوند. همچنین از حقوق اولیه و تکوینی دولت نسبت به آحاد اجتماع و کل جامعه، می‌توان به حق ولایت و سرپرستی و مدیریت، مسئولیت تحقق عدالت اجتماعی، حق نظارت، ارزیابی و هدایت نظام اجتماعی، حق برنامه‌ریزی، تنظیم و قانونگذاری، حق داوری و قضاوت و فصل اختلافات و نظایر آن اشاره کرد. تمامی این حقوق اجتماعی، حقوقی هستند که منشأ آنها نظام تکوین و خلقت اجتماعی انسانهاست. همان‌گونه که گفتیم این حقوق، خود بستر تنظیمات عادلانه اجتماعی شده و به‌دنبال هر تنظیمی در هر مقطعی، یکسری حقوق جدیدی وضع می‌شود که از نظر ما حقوق

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

ثانویه اجتماعی گفته می‌شود. این سلسله پویا همچنان دارای رابطه‌ای متقابل بوده که برای حرکت و پویایی نظام اجتماعی لازم است و بیان کننده پویایی نظام مبتنی بر عدالت است و هرگاه حقوق ثانویه خود منشأ تنظیمات جدیدتری شود، به‌طور نسبی جایگاه حقوق اولیه را پیدا خواهد کرد.

**۵-۱-۳. رعایت حقوق متقابل اجتماعی**

عدالت اجتماعی به معنی تأمین و تضمین حقوق متقابل حاصل از عدالت تشریعی بوده و محور آن نیز رعایت حقوق انسانی نسبت به ارکان اجتماع است و در این نوع از عدالت، سه گونه حقوق اجتماعی متصور است، حقوق طبیعی اجتماعی که در سطح اول انتزاع ذهنی بوده و حاصل حق حیات و حق بقاء هر موجود زنده در هر رکن از ارکان اجتماع است. همچنین حقوق اولیه اجتماعی عبارت است از حقوقی که بستر و مبنای هر تنظیم اجتماعی واقع شده و حقوق اجتماعی ثانویه، حقوقی است که به اعتبار هر سطح از تنظیمات عادلانه یا سیاستگذاری اجتماع وضع می‌شود.

حقوق اجتماعی مانند تنظیمات اجتماعی، امری فطری و ذومراتب است و می‌توان آنها را در سطوح مختلف و با اعتبارات بالاتر در نظر گرفت. این حقوق از مرتبه حقوق طبیعی اجتماعی آغاز شده و در تقابل با سیر تکاملی تنظیمات اجتماعی، مراتب بالاتر حقوق اولیه و ثانویه اجتماعی پدیدار می‌شود و نتیجه این سیر متقابل و پویایی تکاملی میان حقوق اجتماعی و تنظیمات عادلانه، تکامل و تعالی ارکان اجتماع به سمت اهداف مورد نظر است. همچنین تحقق خارجی عدالت اجتماعی در مقاطع مختلف، از نقطه نظر زمانی و مکانی، گستره طولی و عرضی و نیز سایر جهات، متفاوت و نسبی خواهد بود.

درباره عدالت حقوقی اجتماعی دو مسئله حائز اهمیت است. اول، تساوی در حقوق متقابل ارکان اجتماع، به این ترتیب که همواره کیفیت تعلق حق نسبت به هر کدام از ارکان اجتماعی لزوماً یکسان و برابر است و تعلق حق و نیز کیفیت رعایت استحقاقها نسبت به تمامی ارکان اجتماع یکسان است.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

دوم، همواره در یک نظام اجتماعی عادلانه،"حق و مسئولیت" لازم و ملزوم یکدیگرند و میان آن دو تناظر و تطابق یک به یک وجود دارد و میزان حق و مسئولیت نیز هم‌وزنی مطلق دارد.

مسئله مهم دیگری که در اینجا مدنظر است، رابطه میان حقوق و تنظیمات اجتماعی است. در واقع سنخیت و رابطه میان دو عنصر حقوق اجتماعی و تنظیمات اجتماعی، از نوع سنخیت و رابطه قالب و محتوی است و مسئله میان آن دو تقدم و تأخر رتبی نیست، بلکه رابطه آنها، همزمانی فلسفی است و وجود و تحقق یکی بدون دیگری محال است و تصور هر کدام بدون دیگری، نمی‌تواند بیان‌کننده یک نظام عادلانه اجتماعی باشد. همچنین باید توجه داشت که همواره رابطه میان حقوق و تنظیمات اجتماعی، رابطه متقابل تکاملی است زیرا همان‌طور که گفتیم هر حقی به اعتبار حقیقتی است و تمامی تنظیمات اجتماعی نیز مبتنی بر حقیقت و ذوات اشیاء و پدیده‌هاست، از این‌رو به‌طور کلی عدالت تکوینی خاستگاه حقوق و تمامی تنظیمات اجتماعی بوده و به اعتبار ماهیت نظام تکاملی هستی، این رابطه نیز تکاملی خواهد بود.

### ۲-۳. عدالت اقتصادی

در فرهنگ قرآنی و اسلامی، مبانی اخلاقی، روانی و رفتاری در تحلیل مفهوم اقتصاد و نیز شناخت موضوعات اقتصادی در نظر گرفته می‌شود و رفتار اقتصادی فرد و جامعه در یک قالب وسیع و جامع و در عین حال اخلاقی و انسانی تحلیل می‌شود. از این‌رو در حوزه مباحث اقتصادی، مفاهیم و موضوعاتی نظیر استواری، هدایتگری، عدالت، تعادل و اعتدال، عمل، اتکاء به‌نفس، خودکفایی، توازن، قاطعیت و اراده، همکاری و تعاون، عزت، دفاع، صبر و نظایر آنها همواره مد نظر بوده است و می‌تواند در تنظیم امور اقتصادی مورد توجه واقع شود.

برای تحقق نسبی عدالت اقتصادی در اجتماع، با توجه به فروضی که درباره عدالت اجتماعی بنا نهادیم، می‌توان سیاست کلان تنظیم و توازن نسبی اقتصادی را برای تمامی مقاطع زمانی مورد توجه قرار داد. منظور از تنظیم اقتصادی، بیان علمی و قانونمند ساختار و چارچوب اصلی نظام اقتصادی جامعه مبتنی بر حقوق اقتصادی در هر مقطعی از انتزاع و در هر مقطعی از زمان است و حقوق اقتصادی نیز نشان‌دهنده روابط اجزاء و نهادهای اقتصادی و کیفیت تعامل آنها در یک نظام منسجم و در راستای اهداف و اصول اقتصادی خواهد بود. منظور از توازن،

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

ایجاد موازنه عملی در هر مقطعی از برنامه‌ریزی اقتصادی، نسبت به رعایت حقوق اقتصادی تمامی ارکان اجتماع و در تمامی سطوح و بخشهای اجتماعی است.

**۱-۲-۳. تنظیم عادلانه نظام اقتصادی**

از آنجا که عدالت تنظیمی در بُعد اقتصادی مبتنی بر عدالت تکوینی و فلسفی بوده، می‌توان نتیجه گرفت که تنظیمات اقتصادی می‌تواند منشأ سیاستگذاریهای اقتصادی مبتنی بر عدالت واقع شده و تنظیمات حقیقی اولیه، بستر تحقق نظام اقتصادی عادلانه شود. از نظر ما عدالت اقتصادی همان عدالت اجتماعی در بُعد اقتصادی است و اقتضاء عدالت تنظیمی اقتصادی آن است که کیفیت توزیع در هر کدام از حوزه‌ها، بخشها، نهادها، روابط و جایگاههای اقتصادی مورد عنایت قرار گرفته و منطبق با اصول و اهداف نظام اقتصادی تنظیم یابد. به این ترتیب یک نظام اقتصادی عادلانه، نقطه شروع مباحث تحلیلی خود را از"توزیع" آغاز می‌کند و توزیع و کیفیت آن معیار تمامی تحلیلهای اقتصادی خواهد بود. به‌طور کلی اصول اقتصادی بیان‌کننده کیفیت قانونمندی تنظیمات اقتصادی و نیز معیاری برای هماهنگی آنهاست. اهداف اقتصادی نیز روشن‌کننده جهت‌های اقتصادی و هدایت‌کننده مسیر فعالیتهای اقتصادی به سمت آرمانهای مطلوب است. ناگفته روشن است که به این ترتیب در یک نظام اقتصادی عادلانه، هم تنظیمات اقتصادی و هم حقوق اقتصادی به‌عنوان قالب و محتوی، هر دو متأثر از اصول حاکم و آرمانهای نظام هستند.

نظام اقتصادی به‌طور عمده سه حوزه تولید، مبادله و مصرف را در برمی‌گیرد که براساس نظریه ما تنظیم عادلانه روابط داخلی هر کدام از این حوزه‌ها به‌طور متقابل یا روابط خارجی هر کدام از آنها در رابطه با یکدیگر با توجه به معیار کیفیت توزیع عادلانه صورت می‌پذیرد.

**الف- حوزه تولید**

فرآیندی است که با گردآوری عوامل لازم، خلق کالا و خدمات و نظایر آن بر اساس شیوه مطلوب تحقق می‌یابد. معیار تنظیم عادلانه در این حوزه، دقت در توزیع پیش از تولید، در طی تولید و پس از تولید است که بر توزیع امکانات و تجهیزات اقتصادی، منابع طبیعی و سرمایه‌ای، مواد اولیه، فرصتها، امتیازات و به‌طور کلی توزیع عادلانه هر نوع امکان تولید و فضای مناسب تولید را در بر می‌گیرد.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

معیارها و اصولی که مبین قانونمندی تمامی تنظیمات در حوزه تولید است، با توجه به مبنای عدالت عبارت‌اند از:

- کار مطلق: از آنجا که کار جوهره وجود آدمی بوده و مظهر و تجلی حیات بشری و ثمره عینی و حقیقی تداوم و بقای اجتماعی و سایر ارزشهای اخلاقی و انسانی است و تحقق فرآیند تولید و انجام آن، همه مرهون این عنصر حقیقی و انسانی است، بنابراین توجه به محوریت و اصل بودن آن می‌تواند در کیفیت تنظیم روابط تولیدی نقش اساسی داشته باشد. البته منظور از کار، کارآفرینی و سایر انواع آن است.
- بهره‌وری و تولید حداکثر: توانفزایی و رشد و توسعه اقتصادی، بر اساس اصل تکامل (که خود یک اصل فطری و عادلانه بشری است) اقتضاء می‌کند که همواره روابط تولیدی به‌گونه‌ای در کنار عوامل تولید قرار گیرد که حداکثر بهره‌وری از منابع صورت پذیرفته و با به‌کارگیری فنون پیشرفته و در عین حال انسانی، بیشترین تولید توأم با بیشترین صرفه‌جویی صورت پذیرد.
- شیوه تولید (کیفیت تعامل و ترکیب عوامل تولید): اگر در یک فرآیند، کار، سرمایه، منابع طبیعی و زمین و کارآفرینی را به‌عنوان عوامل تولید در نظر بگیریم، نحوه تنظیم و ترکیب این عوامل در روند تولید و کیفیت تعامل آنها با یکدیگر، اساسی‌ترین مطلب در تحقق نظام عادلانه تولیدی است زیرا ماهیت روابط تولیدی در سایه کیفیت رابطه میان کار و کارآفرینی و نیز کیفیت استخدام سرمایه و منابع طبیعی است که هر دو مقوله‌ای انسانی بوده و می‌تواند تحت‌تأثیر هواهای نفسانی و تمنیات و خواسته‌های نامحدود قرار گرفته و به اعتبار قدرت و توان اقتصادی، یک عامل سایر عوامل را در استخدام و استثمار خود درآورد و لازمه بهره‌وری را بهره‌کشی بداند.
- نظام مالکیت و سهم‌بری عوامل تولید: یکی دیگر از مسائل اساسی در ارائه یک نظام تولیدی عادلانه، دقت در نظام و کیفیت عوامل تولید است که بدون توجه به نظام حقوقی مالکیت و اقتضائات آن سخن از عدالت تولیدی و سهم‌بری عوامل تولید به‌صورت عادلانه کاری بس مشکل است. مالکیت ابزار تولید، منابع تولیدی، کار، سرمایه و نظایر آن به اعتبار مختار و آزاد بودن انسان، نقش اساسی در تولید و فرآیندهای آن خواهد داشت.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

- رقابت و آزادی سازنده توأم با مشارکت و تعاون ملی: وجود رقابت بر اساس ارضاء انگیزه و تمایل منفعت شخصی و تأمین معاش، اصلی انکارناپذیر بوده و اقتضاء طبیعت انسانی نیز آن را طلب می‌کند. آزادی نیز عنصر مقدس انسانی دیگری است که برای رشد مادی و معنوی انسانی لازم بوده و سلب آن به‌معنای جلوگیری از خلاقیت و نوآوری و توانفزایی و رشد مادی و معنوی اجتماعی است. آزادی و رقابت دو عنصر لازم و ملزومی هستند که در کنار یکدیگر و به‌طور کنترل شده و سازنده می‌توانند تمام اهداف نظام تولیدی را تأمین کنند. همین دو عنصر در صورتی‌که کنترل نشوند، به‌دلیل پایان‌ناپذیری تمایلات و قدرت‌طلبی انسانی، استثمار، ظلم و تحدید حدود آزادی دیگران را موجب شده و ممکن است رشد اقتصادی را به همراه داشته باشند ولی چنین آزادی و رقابتی توسعه را به قیمت انهدام انسانیت و رکود اخلاقی ایجاد می‌کند و این خود مغایر عدالت است. البته در نظام عادلانه تولیدی این دو عامل محرک در رشد تولید با مشارکت و تعاون ملی و اجتماعی و ایجاد روحیه همکاری، همدردی و نیز همرازی با طبیعت و بهره‌برداری شاکرانه از آن، قابل کنترل خواهد بود و در این صورت منافع شخصی توأم با تأمین منافع دیگران خواهد بود.

**ب- حوزه مبادله**

حوزه مبادله، حوزه‌ای است که در آن کالاها و خدمات تولید شده و نیز توان اقتصادی پدید آمده و موجود، مبادله می‌شوند. آنچه در اینجا محور و معیار عدالت اقتصادی تنظیمی است، دقت در کیفیت توزیع توان اقتصادی و تنظیم ساز وکار عادلانه آن است. به‌طوری‌که روابط مبادله‌ای به گونه‌ای تنظیم شوند که هر چیز در جایگاه واقعی خویش قرار گرفته و حقوق هرکس نیز اعطاء شود. توان اقتصادی شامل ثروت، قدرت خرید و درآمد است که هرکدام به اعتبار خاصی حاصل می‌شود. ارزش مبادله‌ای کالاها و خدمات، همه به اعتبار تنظیمات روابط و نهادهاست. اصولی که در این حوزه لازمه عدالت اقتصادی هستند، عبارت‌اند از:

- فایده‌مندی: توجه به ارزش استعمالی کالاها و خدمات ایجاد شده و نیز نقشی که در تأمین نیازها و اهداف اجتماعی خواهد داشت، از جمله اصول مهم در کسب توان اقتصادی از مبادله است و میزان فایده‌مندی، شاخص مهمی در تعیین قیمت کالا و جابه‌جایی توان اقتصادی می‌باشد.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

- انصاف اجتماعی: رعایت انصاف در جلب سود حاصل از تولیدات یا ارزش افزوده به‌دست آمده در کالا تعیین‌کننده حد توان اقتصادی است به‌گونه‌ای که افراد هم بتوانند سود و سهم لازم از فعالیت اقتصادی خود را به‌دست آورند و هم در عین حال این سود محدود بوده و از دایره انصاف خارج نشود که در این صورت، شرایط ظلم فراهم خواهد شد. در بازار عادلانه، دو محور انصاف اجتماعی و فایده‌مندی کالا تعیین‌کننده قیمت آن خواهد بود.
- نیاز: یکی از اصولی که در تنظیم روابط مبادله‌ای مؤثر است تأمین حداقل توان اقتصادی برای آحاد جامعه در راستای کسب وکار و تأمین نیازهای زندگی است و توجه به آن ضرورت اخذ مالیات، تعدیل ثروت و قدرت خرید، انفاقات، صدقات و نظایر آن را روشن می‌کند.
- ساز وکار محدود بازار: در حوزه مبادله، روابط باید به گونه‌ای تنظیم شود که مانع امنیت مبادله، آزادی و رقابت سازنده محدود نشود و روابط تجاری و بازرگانی در سایه‌ای از امید و اعتماد به آینده استحکام یابد و موجب رشد و شکوفایی استعدادها و نوآوریها شود.

**ج- حوزه مصرف**

در این حوزه، معیشت آحاد جامعه صورت پذیرفته و کالاها و خدماتی که با اهداف معین تولید شده و به بازار مبادله عرضه شده است، برای مصرف و تأمین نیازهای جسمی و روحی آماده می‌شود. کالاهای عمومی و خاص، خدمات اجتماعی، امتیازات و اعتبارات اجتماعی و نظایر آن در این بازار نمود پیدا کرده است. آنچه در این حوزه اقتضاء عدالت اقتصادی است، توزیع عادلانه کالاها و خدمات است. تنظیم شبکه‌های توزیع کالا به‌نحوی که بتوان به‌طور یکسان حداقل نیازهای مصرفی آحاد جامعه را تأمین و در مراتب بالاتر سطح معیشتی، رفاه عمومی را به‌طور یکسان توزیع کرد، نشانه‌ای از عدالت اقتصادی است و اصولی که در این حوزه به‌طور خاص مطرح‌اند عبارت‌اند از:

- اصل کفایت نسبی: مصرف تا حد کفایت و تأمین حداقل معیشت و متناسب با اقتضائات زمانی و شئونات هر فرد، برای همه حاصل شود و این امر تابعی از توان اقتصادی خود فرد نیست، بلکه تابعی از نیازهای واقعی و اصیل جامعه است و تا زمانی که این کفایت عمومی حاصل نشده و حتی یک محروم و مسکین در جامعه یافت شود، عدالت محقق نشده است.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

- اصل ساده‌زیستی: بر اساس این اصل رفتار مصرفی انسان باید به گونه‌ای تنظیم شود که حداقلِ تعلقات مادی برای شخص ایجاد شود و توأم با کار فرهنگی، فرهنگ ساده زیستی را معیار تلاش خود قرار دهد زیرا لازمه رشد و تعالی اخلاقی و تکامل معنوی این است که بهره‌برداری از تمتعات مادی و تصرف در آنها در حد کفایت متوقف شود در غیر این صورت خواهشها و امیال انسانی حد محدودی نداشته و موجب تکاثر و زیاده‌طلبی و افزون‌خواهی می‌شود که دشمن عدالت است.
- مواسات: یکی از لوازم حتمی تحقق عدالت اقتصادی، برابری در مصرف است و از دید عادلانه رابطه‌ای میان توان اقتصادی و میزان مصرف ضرورت ندارد و می‌توان از طریق مصرف یکسان و برادرانه، به‌نحوی‌که هیچ محتاج و نیازمندی در جامعه نباشد، زمینه تحقق عدالت را فراهم کرد.
- میانه‌روی: الگوی مصرف و چگونگی آن نیز نظیر مسائلی است که توجه به آن در تحقق عدالت مؤثر است. آنچه مسلم است به‌طور کلی افراط و تفریط در تأمین نیازها و رعایت نکردن اقتصاد در مصرف، هر دو موجب ظلم می‌شود بنابراین میانه‌روی، معیار تعیین‌کننده در الگوی مصرف است.

توازن در سه حوزه تولید، مبادله و مصرف از مسائل اساسی است که توجه به آن خود از مصادیق تحقق عدالت اقتصادی خواهد بود. این سه حوزه و تفکیک آنها بیشتر به‌صورت انتزاعی از صحنه عملکرد اقتصادی در زندگی به‌دست می‌آید اما در عالم خارج، ما بیش از یک هویت پیچیده رفتاری را نداریم. ایجاد و حفظ توازن در یک نظام اقتصادی و ابتناء آن بر عدالت، از طریق یکسری اصول حاکم و عمومی به‌دست می‌آید. نقش دولت در ایجاد یک چنین توازن نسبی و نیز هدایت و مدیریت اقتصادی و شاید فقط به‌صورت"مدیریت توزیعی" در هر سه حوزه یادشده باشد و بیش از آن نقش دولت در نظام اقتصادی بسیار محدود خواهد بود زیرا نقش دولت در اقتصاد، احقاق حق از طریق تنظیم و کنترل روابط و شبکه‌های توزیعی در صحنه روابط اقتصادی است. سیاستهای پولی و مالی دو ابزار مهم در چرخه اقتصادی است که در اختیار دولت، برای تأمین عدالت اقتصادی قرار دارد و هماهنگی و توازن میان این دو سیاست نیز برای تحقق اهداف ضروری است. این دو ابزار بیشتر از طریق حوزه مبادله، کنترل

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

شبکه‌های اقتصادی را به‌دست می‌گیرند و از این طریق می‌توان، اهداف حاصل از عدالت اقتصادی را دنبال کرد.

**۲-۲-۳. عدالت اقتصادی یا ایجاد توازن نسبی در حقوق متقابل اقتصادی**

حقوق اقتصادی که مبتنی بر نظام حقوقی یک اجتماع است، از نظر تحققی، نسبی و ذومراتب است و لزوماً باید امکانات اقتصادی و توان اجتماع را در مسیر تحقق حقوق و احکام اقتصادی تقسیم کرد و بر اساس اصل "اعطاء کل ذی حق حقه" لازم است که یک توازن نسبی در سطح کلان اجتماعی میان توان اقتصادی افراد جامعه و مراتب عدالت اقتصادی برقرار کرد. هر کدام از ارکان اجتماع، یعنی فرد، جامعه و دولت نسبت به یکدیگر دارای حقوق متقابلی هستند. آنچه در اینجا مدنظر است و می‌توان یادآوری کرد، بررسی حقوق اقتصادی فرد و جامعه نسبت به دولت است تا بتوان بر اساس مدیریت توزیعی، سیاستگذاری اقتصادی دولت را پیشنهاد کرد. منظور این است که اولین اولویت در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مبتنی بر عدالت اقتصادی، ملاحظه حقوق فرد و جامعه در حوزه‌ها و بخشهای مختلف اقتصادی نسبت به دولت است.

در اولین مرحله از تحقق عدالت حقوقی اقتصادی، توجه به حقوق طبیعی اولیه اقتصادی، حائز اهمیت است. اولین حق اجتماعی یک جامعه نسبت به دولت، حق بقاء و اولین حق اجتماعی یک فرد نسبت به دولت، حق حیات است.

بنابراین برای دستیابی به حق طبیعی اولیه اقتصادی، نخست حق فرد و جامعه را به‌طور توأم مدنظر قرار داده و به‌عنوان وظایف اقتصادی اولیه دولت، محور سیاستهای اقتصادی خواهیم داشت و دوم، این حقوق اقتصادی براساس اولویت آن فقط پیرامون حق حیات فرد و حق بقاء جامعه ارائه خواهد شد. سوم، همان‌گونه که گفتیم این حقوق اقتصادی تبیین‌کننده اهداف اقتصادی رشد و شکوفایی اقتصادی اجتماع اسلامی است.

- فقر و محرومیت: منظور از رفع فقر، برآورده کردن و تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی بشری است که با توجه به تصریح قرآن مجید این امر در برگیرنده آب، غذا، مسکن و پوشاک است. این حد از تأمین نیازهای ضروری حیات بشری را حد کفایت ابتدایی می‌نامند. رفع محرومیت، یعنی رفع کمبودهای اقتصادی از نقطه نظر توان بالقوه و بالفعل

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

(امکانات، منافع و نیروی انسانی، فن‌آوری و نظایر آن) در مناطق مختلف جغرافیایی و اقلیمی و مناطقی که دچار محرومیتهای تاریخی یا آسیبهای اجتماعی و سیاسی بوده‌اند.

- رفع استثمار و تبعیض اقتصادی: این هدف که برای بقای حیات جامعه و وحدت ملی لازم است، از اهداف مشخص و قطعی در سیاستگذاری نظام اسلامی است که باید در دو حوزه روابط اقتصادی خارجی و روابط اقتصادی داخل جامعه مورد توجه باشد. به‌گونه‌ای‌که ابتدا هرگونه تسلط و بهره‌کشی و سودجویی و سوءاستفاده در روابط خارجی اقتصادی برطرف شده و دوم، هرگونه تبعیضی در توزیع امکانات، فرصتها، منابع اولیه پولی و نظایر آن، همچنین توزیع ثروت و توان اقتصادی مرتفع شود. طبیعی است که از لوازم قطعی و ضروری تحقق این هدف، اصلاح ساختار نظام اداری بر اساس تحقق این عدالت است.
- استقلال و عزت اقتصادی و خودکفایی ملی: یکی از ضرورتهای قطعی و حتمی بقای اجتماعی جامعه، مربوط به استقلال سیاسی و اقتصادی آن جامعه است. منظور از استقلال سیاسی و اقتصادی این است که آن جامعه در تصمیم‌گیریهای سیاسی و اقتصادی بتواند به‌طور مستقل عمل کرده و عزت خود را حفظ کند و از وابستگی به قدرتهای برتر مصون بماند. این امر به معنای نداشتن رابطه اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه به معنای آن است که این رابطه می‌بایست به نحوی باشد که مصالح عمومی آن جامعه حفظ شود و تحت تأثیر امیال و خواست نامشروع قدرتمندان واقع نشود. از این‌رو یکی از عوامل دستیابی به این هدف اقتصادی - ملی، تلاش در مسیر خودکفایی ملی است به این معنا که نخست، جامعه در تأمین نیازهای معیشتی خود به هیچ وجه و در هیچ زمانی وابسته به غیر نباشد و دوم، در سایر احتیاجات و نیازهای اقتصادی، همواره امکان و مزیت دستیابی به رشد و توسعه و رفاه اقتصادی بالاتر را برای خود محفوظ داشته باشد و لوازم آن را بالفعل و بالقوه در اختیار داشته باشد و تا جای ممکن منابع و امکانات اولیه اقتصادی و نیز زیرساختهای اقتصادی خود را در شرایط مطلوبی نگه دارد.
- امنیت و آزادی اقتصادی: یکی از حقوق اولیه طبیعی انسان از نظر فردی و اجتماعی، وجود فضای مناسب اقتصادی است که در آن تمامی آحاد جامعه بتوانند در کمال امنیت و آزادی به تلاش و فعالیت اقتصادی پرداخته و ضمن تأمین معاش خود در راستای رشد و توسعه عمومی گام بردارند. از سوی دیگر برای رشد و تعالی فضایل اخلاقی و انسانی نیز

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

وجود امنیت و آزادی اقتصادی لازم است. به طور قطع یکی از لوازم حقیقی و واقعی توسعه امنیت و آزادی اقتصادی، دفاع از حقوق اقتصادی آحاد جامعه به‌طور عام و حقوق مالکیت، تجارت، تولید و نظایر آن به‌طور خاص است که این دفاع هم جنبه نظری و سیاسی دارد و هم جنبه عملیاتی. البته این هدف ممکن است به‌طور مستقیم به بقای جامعه و حیات فرد مرتبط نباشد ولی به‌طور غیرمستقیم لازمه آن است.

- دفاع و امنیت ملی: یکی دیگر از لوازم قطعی و حتمی بقای یک جامعه دفاع از هویت آن و حفظ حریم امنیت اجتماعی و ملی است که برای دستیابی به این هدف، سرمایه‌گذاری اقتصادی و نظامی ضرورت دارد.
- تعلیم و تربیت و بهداشت عمومی: یکی دیگر از لوازم حتمی در زندگی اجتماعی است که برای بقای و رشد فرد و جامعه و تعالی و تکامل کل نظام اجتماعی، توجه و سرمایه‌گذاری اقتصادی و هدایت شده در این زمینه لازم است.

بنابراین نگرش نسبت به عدالت اجتماعی و اقتصادی و به‌طور کلی عدالت تنظیمی برخاسته از عدالت فلسفی بوده و براساس تنظیمات مبتنی بر اصول عقلانی به‌دست می‌آید. این تنظیمات بیان‌کننده قالب و ظرف تحقق عدالت هستند و با حقوق اجتماعی و اقتصادی سنخیت ماهوی داشته و در رابطه با یکدیگر پویایی و ساز وکار تحقق عدالت را تبیین می‌کنند. از سوی دیگر عدالت حقوقی، اجتماعی و اقتصادی بیشتر پیرامون رعایت حقوق متقابل ارکان اجتماع نسبت به یکدیگر دور می‌زند و در سلسله مراتب تحققی خود به تمامی حقوق به یک نظر نگاه می‌کند و همواره در راستای تحقق نسبی آنها می‌کوشد. حقوق اقتصادی و اجتماعی به‌طور مستقیم خود را در اهداف نظامهای اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد. به این ترتیب این حقوق بیان‌کننده محتوای حقیقت تحقق عدالت اجتماعی بوده و رابطه منطقی با تنظیمات عادلانه اجتماعی دارد.

## ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌طور عمده دو رویکرد اساسی "تقدم توسعه بر عدالت" و "توسعه توأم با عدالت" مورد توجه اقتصاددانان و متفکران اجتماعی بوده است ولی براساس اندیشه "توسعه عدالت محور"، عدالت تنها خاستگاه تنظیمات و تعاملات اجتماعی انسانهاست. منشاء فطری و درونی توسعه اقتصادی،

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

نیاز به تکامل مادی و معنوی و تأمین نیازهای جسمی، شخصیتی و معنوی است. به‌عبارت دیگر توسعه اقتصادی عبارت است از افزایش و گسترش کمی و کیفی توان اقتصادی به‌منظور تکامل مادی و معنوی انسانها و جوامع، مبتنی بر اصل عدالت و متناسب با اقتضا و مناسبات و تحولات عینی.

عدالت (در بُعد اجتماعی و اقتصادی) از شریف‌ترین انگیزه‌های انسانی بوده و دارای ریشه فطری در نهاد آدمی است و در عین حال معیار قانونمندی و تنظیم نظامهای اجتماعی و اقتصادی است و اقتضائات عقلی آن قابلیت تعمیم و سیاستگذاری را داراست. عدالت در عین ایجاد توازن در زندگی اجتماعی و مادی بشر، در ذات خود پویایی و تکامل روحی و معنوی انسان را فراهم آورده و به طور مستقیم به فضائل انسانی و اخلاقی مرتبط می‌شود.

منظور از عدالت تنظیمی در اقتصاد، بیان علمی و قانونمند ساختار و چارچوب نظام اقتصادی براساس حقوق اقتصادی در هر مقطعی از انتزاع و در هر مقطعی از زمان و مکان است. تنظیمات اقتصادی، منشأ سیاستگذاریهای اقتصادی شده و از این طریق بسترساز تحقق نظام اقتصادی عادلانه می‌شود. اقتضاء عدالت تنظیمی آن است که کیفیت توزیع در هر کدام از حوزه‌ها، بخشها، نهادها، روابط، جایگاهها و عملکردهای اقتصادی مورد عنایت قرار گرفته و با اصول و اهداف نظام عادلانه اقتصادی منطبق شود.

منظور از عدالت حقوقی در اقتصاد، شناسایی و تحقق نسبی حقوق متقابل مادی و معیشتی در سه رکن اصلی اجتماع یعنی فرد، جامعه و دولت نسبت به یکدیگر است و ایجاد توازن نسبی در سطح کلان اجتماعی میان توان اقتصادی و تحقق مراتب عدالت اقتصادی، امر ضروری و دائمی است.

از مجموع مباحث مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که راهبرد توسعه عدالت محور از طریق سیاست عمومی تنظیم و توازن نسبی اقتصادی به دست می‌آید. توازن در سه حوزه تولید، مبادله و مصرف از مسائل اساسی است که توجه به آن خود از مصادیق تحقق عدالت اقتصادی خواهد بود. این سه حوزه و تفکیک آنها بیشتر به صورت انتزاعی از صحنه عملکرد اقتصادی در زندگی به دست می‌آید. ایجاد و حفظ توازن در یک نظام اقتصادی و ابتناء آن بر عدالت، از طریق یکسری اصول حاکم و عمومی به‌دست می‌آید. نقش دولت در ایجاد یک چنین توازن نسبی و نیز هدایت و مدیریت اقتصادی، به‌صورت مدیریت توزیعی در هر سه حوزه یاد شده

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

است زیرا نقش دولت در اقتصاد، احقاق حق از طریق تنظیم و کنترل روابط و شبکه‌های توزیعی در صحنه روابط اقتصادی است. سیاستهای پولی و مالی دو ابزار مهم در چرخه اقتصادی است که در اختیار دولت، برای تأمین عدالت اقتصادی قرار دارد و هماهنگی و توازن میان این دو سیاست نیز برای تحقق اهداف، ضروری است. این دو ابزار بیشتر از طریق حوزه مبادله، کنترل شبکه‌های اقتصادی را به‌دست می‌گیرند و در نهایت دولت از این طریق می‌تواند اهداف حاصل از عدالت اقتصادی و توسعه مبتنی بر آن را دنبال کند.

برای تحقق توسعه اقتصادی، توجه به حقوق اقتصادی انسان و جامعه نیز لازم است که این حقوق از نظر تحققی، نسبی و ذومراتب بوده و لزوماً باید امکانات اقتصادی و توان اجتماع را در مسیر تحقق حقوق اقتصادی و براساس اولویتهای توسعه ملی تقسیم کرده و یک توازن نسبی در سطح کلان اجتماعی میان توان اقتصادی افراد، جامعه و دولت و مراتب عدالت اقتصادی برقرار کرد.

## منابع


بون، لویی (۱۳۵۲)، *تاریخ مختصر عقاید اقتصادی*، ترجمهٔ هوشنگ نهاوندی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.

جیروند، عبدالله (۱۳۷۴)، *توسعه اقتصادی (مجموعه مقالات)*، انتشارات مولوی.

حراتی، ابی محمدالحسن بن‌علی بن‌الحسین ابن‌شیعه (۱۳۵۵)، *تحف العقول*، به تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

حکیمی، محمدرضا، علی و محمد (۱۳۶۳)، *الحیاة*، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

رالز، جان (۱۳۸۳)، *عدالت به مثابه انصاف*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران ققنوس.

سن، آمارتیا کومار (۱۳۸۳)، "توسعه یعنی چه" در کتاب *پیشگامان اقتصاد توسعه*، ترجمهٔ غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی، چاپ اول.

طباطبایی، محمدحسین (۱۹۷۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.

*غررالحکم و درالکلم آمدی*، ترجمه محمدعلی انصاری، بی‌نا، بی‌تا.

غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۱)، *درباره هایک*، مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.

گری، جان (۱۳۷۹)، *فلسفه سیاسی فون هایک*، ترجمه خشایار دیهیمی، طرح نو.


[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *سیری در نهج‌البلاغه*، انتشارات صدرا، چاپ دوم.
میر، جرالد ام و جوزف استیگلیتز (۱۳۸۲)، *پیشگامان اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی.
*نهج‌البلاغه* (۱۳۵۱)، فیض‌الاسلام، بی‌نا.
وینترز، آلن و یان گلدین (۱۳۷۹)، *اقتصاد توسعه پایدار*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی) و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06 ]